**ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا ؛**

مقدمه ناشر

بحث «ماه رجب، ماه يگانگى با خدا»؛ سخنرانى استاد طاهرزاده در جمع برادران و خواهرانى است كه مايل بودند با آگاهى بيشتر نسبت به مقام ماه رجب و آداب و اذكار آن ماه، نهايت استفاده را از اين ماه عظيم الهى ببرند.

در اين بحث سعى شده ابتدا جايگاه ماه رجب در متون روايى، خوب تبيين شود و سپس جايگاه اذكار و اعمال اين ماه در سلوك يك انسان سالك مشخص گردد، تا مؤمنين دانسته و آگاهانه نسبت به آن اعمال برخورد كنند و صرفاً مشغول آداب قالبى آن ماه نگردند.

در اين بحث روشن شده است، چگونه انسان به شخصيتى مى رسد كه در روز قيامت به عنوان «رجبيون»

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 7

شناخته مى شود؟ و چگونه خداوند شرايط صعود انسان را در ماه رجب فراهم نموده است؟ و چگونه مى شود كه يك ماه، ظرفيت يگانه شدن با خدا را براى انسان فراهم نمايد و

فلسفه اين كه ماه رجب، ماه حرام الهى قرار گرفته است چيست و چگونه مى شود مقام غيبى ماه رجب را در خود احياء و سپس كشف كرد؟ و چرا از يك جهت در روايت مى فرمايد: ماه رجب، ماه خدا است و از يك جهت مى فرمايد: ماه رجب، ماه اميرالمؤمنين «عليه السلام» است؟ و در آخر، با چند توصيه براى هرچه بيشتر بهره بردن از ماه رجب، بحث به اتمام مى رسد.

انتشارات لُبّ الميزان اميد دارد كه از اين طريق توانسته باشد قدمى در هرچه بيشتر بهره بردن مؤمنين و مؤمنات برداشته و إن شاء الله وسيله احياء بيش از پيش معارف و اخلاق اسلامى را در جامعه فراهم كرده باشد.

انتشارات لُبّ الميزان‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 8

بسم الله الرحمن الرحيم‏

حلول ماه مبارك رجب را تبريك عرض مى كنيم و ضمن سلام به مقام تكوينى ماه رجب، عاجزانه از خدا مى خواهيم مرحمتى بفرمايد كه ما از نعمت ها و رحمت هاى اين ماه محروم نشويم.

ماه غلبه اسم رحمت‏

رجب؛ ماهى كه خداوند جنگ با دشمنان را نيز ممنوع فرموده است، تا براى همه انسان ها امن و امان باشد، تا هر كس خواست به جوار حضرت حق نزديك شود، اسم رحمت حق به استقبال او رود و او را وارد رحمت الهى نمايد و طعمِ ورود به مقام انس با حق را به قلب او بچشاند.

خسران بزرگى است كه در ماه عزيز رجب، قلب را نسبت به اين ماه متذكر نكنيم. در اين ماه بايد به قلب بگوييم:

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 9

اى قلب! متوجّه باش، وقتى خداوند جنگ با دشمنان خدا را در اين ماه ممنوع نموده، بنگر با دوستان خود چه خواهد كرد.

اى قلب! غافل مباش، در اين ماه به خطاهاى تو نمى نگرند، مأيوس هم مباش، مى خواهند تو را وارد بنده هاى خاص گردانند.

حديث فرشته داعى‏

در مورد عظمت و اهميت ماه رجب توجه كنيد به روايت مشهورى از پيامبر اكرم (صلّى الله عليه وآله وسلّم) در كتب روايى ما از جمله در كتاب اقبال سيد بن طاووس در اعمال ماه رجب و يا در كتاب المراقبات مرحوم آيت الله ملكى تبريزى (رحمة الله عليه)[[1]](#footnote-1) كه به حديث فرشته «داعى» مشهور است. آن روايت عبارت است از اين كه:

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 10

رُوى عن النَّبى (صلوات الله عليه وآله): «انَّ اللهَ تَعالي نَصَبَ فِي السَّماءِ السّابِعَةِ، مَلِكاً يُقالُ لَهُ الدّاعِي»؛ يعنى خداوند يك ملكى در آسمان هفتم دارد كه اسم آن ملك «داعى» است. چرا جايگاه اين ملك آسمان هفتم است؟ چون آسمان هفتم مقام حقيقت محمّدى (صلّى الله عليه وآله وسلّم) است يعنى اين روايت بر مقام پيامبرآخرالزمان (صلّى الله عليه وآله وسلّم) منطبق است. بعد حضرت محمد (صلواة الله عليه وآله) مى فرمايند: «فَاذا دَخَلَ شَهرُ رَجَب، يُنادي ذلِكَ المَلَكُ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْهُ الَي الصَّباحِ» از سر شب تا صبح اين مَلَك ندا مى كند. يعنى نورى از غيب هفتم عالم بر غيب جان شما ندا مى كند- يك ارتباط پنهانى باطنى از ابطن عالم كه همان آسمان هفتم باشد و ديگر بالاتر از آن مرتبه اى نيست، ارتباطى از آن باطنى ترين حقايق، با بنيان وجود ما برقرار مى شود. آرى؛ خداوند آن ملك را مأمور كرده است كه در اين ماه با جان ما حرف هايى را بزند، كه عرض خواهيم كرد. خداوند به لطف و كرم خودش به ما كمك كند كه در اين ماه آن ندا را بشنويم، آرى مى شود شنيد. خودتان ملاحظه كنيد، در شروع ماه رجب گويا حال و هواى روحى‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 11

شما مستعد پذيرش الطاف خاصى شده است. پس معلوم است آن ندا چون نسيمى بر جان مسلمانان مى وزد و پيامبر اكرم (صلواة الله عليه وآله) نيز اين نور را مى بينند كه دارند از آن خبر مى دهند و به ما توصيه مى فرمايند: خود را براى پذيرش آن الطاف خاص آماده كنيد.

حتماً مى دانيد كه ماه رجب قبل از اسلام هم مورد توجه بوده است. حضرت نوح (عليه السلام) در ماه رجب كشتى شان را حركت دادند، چون در چنين شرايطى اميد بيشترين لطف را داشتند. در تاريخ داريم كه خود اهل مكّه با اين كه مسلمان نبودند حرمت اين ماه را حفظ مى كردند، چون رعايت حرمت ماه رجب و استفاده كردن از الطاف خاص خداوند در اين ماه در پيام ساير پيامبران (سلام الله عليهم) هم مطرح بوده است و اهل مكه در عين بت پرستى، تحت تأثير توصيه انبياء گذشته بوده اند.

اين مَلك «داعى» چه مى گويد؟ ملاحظه كنيد اين انوار به قلب مى خورد «طُوبي لِلذّاكِرينَ، طُوبي لِلطّائِعينَ» يعنى ملك مى گويد، خوشا به حال آنهايى كه اهل ذكر حق هستند،

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 12

خوشا به حال آنهايى كه اهل اطاعت از حق هستند و لذا به جهت گفتار اين مَلك، علاقه اى به ذكر خدا و كششى به سوى اطاعت بيشتر در شما ايجاد مى شود. مَلك مى گويد:

اى ذاكران! مطيعان! مستغفران! مژده، مژده، بشارت، بشارت. «يقُولُ اللهُ تَعالي: انَا جَليسُ مَنْ جالَسَني»؛ اين ملك مى گويد كه خداى تعالى مى فرمايد: كسى كه با من بنشيند، من با او مى نشينم، من همنشين كسى هستم كه با من همنشين شود. يعنى خداوند در اين ماه از طريق سروش ملكِ داعى، مخلوقش را به همنشينى با خودش دعوت مى كند و برمى انگيزاند. و حتماً مى دانيد با ذكر و ياد خدا ورعايت دقيق حرام و حلال حضرت حق است كه ما ياد خدا مى كنيم و اين ها وسيله اى است كه آدم زمينه اى فراهم كند تا با خدا بنشيند. خداوند خبرى را در اين ماهِ خاص به طالبان انس با حق مى دهد كه بنده مى تواند همنشينى خاص الهى را در اين ماه براى خود تهيه ببينيدو به واقع لطفى از اين بالاتر نيست، گفت:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اين كه بينى مرده وافسرده اى‏ |  | زان بُوَدكه ترك سَروَركرده اى‏ |
|  |  |  |

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 13

مى خواهند در اين ماه راه انس با حقّ را براى ما باز كنند. ديده ايد بعضى مواقع از بودن خودتان خسته شده ايد، دائماً حوصله تان سر مى رود؟! اين به جهت قطع ارتباط باطنى قلب است با حق، حالا اگر انس با حق وارد زندگى و

جان تان شد و خداوند جليس شما شود، حوصله سررفتن برايتان معنى نمى دهد. چرا كه:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| هر كه در خانه اش صنم دارد |  | گر نيايد برون چه غم دارد |
|  |  |  |

اتحاد حكم عبد با رب‏

ادامه سخن حضرت حق اين است:

«وَ مُطيعُ مَنْ اطاعَني»؛ الله اكبر! خيلى عجيب است، خداوند مى فرمايد: در اين ماه بدانيد كه من اطاعت مى كنم از كسى كه از من پيروى كند. ببينيد مشكل چقدر عجيب حل مى شود. مگر ما گاهى نمى خواهيم از شرّ يك مشكل يا از يك فساد اخلاقى و از وسوسه هاى آزاردهنده، راحت شويم؟ مى فرمايد: اين ماه آن زمانى است كه اگر ياد مرا در قلبت زنده كنى و از من اطاعت كنى، آن وقت هر چه بخواهى، من از تو اطاعت مى كنم و هر چه بخواهى به تو

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 14

مى دهم. يعنى از دريچه رجبى شدن، مى شود حوائجى را كه خداوند حاضر و مايل است به ما بدهد، به ما بدهد. يعنى بنده رجبى، بنده اى است كه مى تواند كارى كند كه حكم خدا با حكم خود آن بنده متّحد شود.

خداوند سخت عاشق بنده خودش است و به دنبال آن است كه بنده اش از او چيزى بخواهد تا درخواست آن بنده را اجابت كند. حالا در ماه رجب اين محبّت و عشق به بند گانش به اوج خود مى رسد و لذا خودش در دهان بنده اش مى گذارد كه من مطيع كسى هستم كه از من اطاعت كند، پس بنده عزيز من! يك قدم در راه بندگى من بردار، و بعد شروع كن از من چيز خواستن، من مطيع درخواست هاى تو هستم. اين سفره به صورت خاصّ آن در ماه رجب گسترده شده است و لذا بايد هنر استفاده كردنش را به دست آورد.

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 15

رجب؛ عامل شكل دهى به شخصيت قيامتى انسان‏

در همين جا يادتان بياوريم كه در روايت هست: «در روز قيامت در موقف محشر، يعنى در آن تنهايى محض، ندا مى آيد: «اينَ الرَّجَبِيون»؛ يعنى كجايند كسانى كه در ماه رجب، با خداى خود انس خاص گرفتند و نگذاشتند ماه رجب به راحتى از دستشان برود؟ پس معلوم است كه با اعمال ماه رجب براى انسان يك نوع شخصيت خاص پديد مى آيد، يعنى رجبى شدن يك نوع وجود تكوينى و يك هويت خاص براى انسان به وجود مى آورد كه در عالم قيامت كه حقايق ظاهر مى شود، اين شخصيت خاص آن ها ظاهر مى گردد. رجبى شدن، چيز ساده اعتبارى مثل اسم گذارى روى افراد نيست كه بدون رابطه با حقيقت افراد باشد.

در عظمت ماه رجب، رسول خدا «صلواة الله عليه وآله» مى فرمايند: ماه رجب؛ ماه عظيم خدا است كه هيچ ماهى از نظر حرمت و فضل در نزد خدا همطراز آن نيست. حتّى در زمان جاهليت ماه رجب را محترم مى شمردند، و اسلام عظمت آن را مورد تأكيد قرار داد. بعد فرمودند

: انَّ رَجَبَ شَهرُ «الله» و شعبانُ «شهري» و رمضانُ «شهر امَّتي»

، يعنى رجب ماه‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 16

خدا است و شعبان ماه من است و رمضان ماه امت من است.[[2]](#footnote-2)

استغفار خاص‏

در ادامه روايت هست كه آن ملك از زبان خدا مى فرمايد: «غافِرُ مَنِ اسْتَغْفَرَني» من بخشنده آنم كه از من بخشش خواهد. معلوم است استغفار ماه رجب، استغفار خاص است. عموماً يكى از ذكرهاى ماه رجب ذكر استغفار است و به شكل هاى مختلف هم آمده است، همه اش روى حساب است. آنجا كه در گفتن استغفار، «ربّى» ندارد و مى فرمايند: هر روز 70 مرتبه صبح و 70 مرتبه عصر بگويد: «اسْتَغْفِرُاللهَ وَ اتُوبُ الَيْه» چون در دامن ربِّ ماه رجب خود را قرار داده ديگر انسان واژه «ربّى» را نمى گويد، بلكه توجه و توبه اش به سوى «الله» است. حتماً متوجّه ايد «الله» مقامِ جمعِ اسماء الهى است، لذا با دستور دادن به انجام اين ذكر مى خواهند قلب متوجّه «الله» باشد، همان طور وقتى كه «ربّ» را در ذكر مى آورند مى خواهند قلب توجّه اش به مقام ربوبيت حق‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 17

باشد و لذا عرض ما اين است كه شكل اين ذكرها روى حساب است و همان طور كه روايت آورده بايد گفت و در ايجاد حالات قلبى مطابق آن ذكر كوشش كرد تا نتايج فوق العاده آن إن شاءالله نصيب شما شود.

باز در رابطه با استغفار ماه رجب مى فرمايند: 100 مرتبه يا 400 مرتبه در اين ماه بگوييد: «اسْتَغْفِرُاللهَ الَّذي لا الهَ الّا هو، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ وَ اتُوبُ الَيْه»، يعنى از خدايى كه جز او الهى نيست و يگانه و بى شريك است، طلب غفران و آمرزش مى نمايد و به سوى او جهت قلبم را قرار داده ام. كه در اين استغفار؛ «الله» را براى قلب خود ترسيم مى كنى و يگانگى محض او را براى خود تفهيم مى كنى و سپس «وَ اتُوبُ الَيه» را مى گويى، يعنى من از حضرت «الله» كه جامع جميع اسماء الهى است، مى خواهم كه مرا ببخشد، آن اللّهى كه قطب قلب من است و جز او نمى شود كسى اله و معبود جان من باشد و من به سوى چنين خداى يگانه اى كه تمام مقصد قلبم هست، آمدم. عجيب است اگر كمى به قلب خود عادت دهيم كه اين ذكر را با حضور بگو، مى بينيد حال و

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 18

هوايش عوض شد. روى «وَ اتُوبُ الَيْه» با حضور قلب تأكيد كنيد و متوجّه باشيد داريد مى گوييد: به سوى او آمدم. خوشا به حالتان با چنين كلماتى و چنين تصميمى!

باز مى فرمايد بسيار بگو: «اسْتَغْفِرُاللهَ وَ اسْئَلُهُ التَّوبَه»؛ يعنى خدايا غفران و بخشش تو را طلب مى كنم و تقاضا مى كنم كه توبه مرا بپذيرى و به من نظر كنى. اوّلًا؛ مى گويى: از الله يعنى از حضرت جامع همه خوبى ها مى خواهم مرا در بر بگيرد مثل دربرگرفتن كالايى كه شما گرد و خاكش را پاك مى كنيد و وارد خانه تان مى كنيد- ثانياً؛ مى گويى: از او كه فرمود: من دوست دارم بنده ام دستور دهد تا آن را عمل كنم، تقاضا مى كنم به من توجّه فرمايد، به من محل بگذارد. خوشا به حالتان با چنين كلمات و چنين تصميمى!

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| روى بنماووجودخودم ازيادببر |  | خرمن سوختگان راهمه گوبادببر |
|  |  |  |

چون خودش در اين روايت مى فرمايد: در اين ماه «غافِرُ مَنِ اسْتَغْفَرني»؛ بخشنده كسى هستم كه توبه كند و بخواهد وارد يك حيات معنوى شود، آن هم حياتى معنوى اى بدون‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 19

هرگونه كدورتى از گناه و غفلت، پس بايد با استغفار اميد چنين حياتى را داشت.

ماهى كه همه چيز خدايى است‏

ادامه روايت هست كه خدا مى فرمايد: «الشَّهْرُ شَهْري» ماه، ماه من است. چه قدر آدم دلش گرم مى شود كه كجا آمده است و با چه شرايطى روبه رو است. با زمانى روبه رو است كه خداوند آن را به خودش نسبت داده. مى فرمايد: «وَالْعَبْدُ عَبْدي» بنده هم بنده من است. وقتى مى فرمايد: ماه، ماه من و بنده هم بنده من است، يعنى جا دارد كه روح بنده با اين ماه متّحد شود تا با صاحب اين ماه ارتباط يابد. به ما خبر مى دهد شرايط و مقامى است كه من در اين ماه بنده ام را براى خودم خالص مى كنم. من و شما را در اين ماه به عنوان بنده خودش مى نگرد و آلودگى ها و عصيان هايمان را نمى نگرد. زمينه يگانه شدن بنده با خدا در اين ماه فراهم است، اين ماه عجيب است.

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 20

شرايط يگانه شدن با خدا

اين ماه در ميان شيعيان آن قدر كه لازم است و حق اين ماه عزيز است مورد توجّه قرار نگرفته است. اهل سنّت عظمت ماه رجب را خوب متوجّه هستند، هر چند با حالتى صورى و قالبى به آن نظر دارند، ولى به واقع‏

پيامبر (صلّى الله عليه وآله) عنايت خاصى به اين ماه داشتند. مى فرمايد: اين ماه، ماه من است. حال ببينيد ماهِ خدا بودن، يعنى اين كه در آغوش اين ماه به راحتى مى توانيم براى خدا يگانه شويم، مثل اين كه در مورد مكّه مى فرمايد: «بَيْتي»؛ يعنى خانه من؛ و شما ملاحظه كرده ايد كه در كنار خانه او چه رازها در راستاى يگانه شدن براى انسان گشوده مى شود. يگانه شدن يك مبناى نظرى و فكرى دارد و يك مبناى عملى. هم بايد بينش و قلب انسان در اين ماه با خدا يگانه شود، اين با «استغفار» و ذكر «لا اله الا الله» كه هر دو هم از اذكار اين ماه است، محقّق مى شود. و هم يگانه شدن، عملى‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 21

بايد باشد كه آن هم به كمك «روزه» محقّق مى شود. روزه يگانه شدن براى خداست. حال ببينيم مزه هايش چيست؟[[3]](#footnote-3)

در ادامه روايت مى فرمايد: «وَالرَّحْمَةُ رَحْمَتي» يعنى رحمت در اين ماه، همه رحمت است، آن هم رحمت من است، بدون حجابِ واسطه ها، يعنى در اين ماه خودم به اسم رحمان به صحنه مى آيم تا شما با من ملاقات كنيد و رحمت را به واسطه ها نسبت ندهيد و توجّه شما به واسطه ها معطوف نشود. پس در اين ماه رحمت فراوان است، آن هم رحمتى مستقيم از حضرت «الله» پس از طريق رحمت هاى فراوانِ اين ماه، راه ارتباط با خود حضرت حق گشوده مى شود، راه خاصى كه رجبيون با خدا خواهند داشت.

«فَمَنْ دَعاني في هَذَاالشهْرِ اجِبْتُهُ» هركس مرا در اين ماه بخواند اجابتش مى كنم و جوابش را مى دهم. شايد بگوييد خدايا ما هميشه و هروقت تو را بخوانيم اجابت مى كنى.

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 22

ولى معلوم است اين دعوت خاص است كه مى فرمايد: اگر مرا بخوانى، اجابت مى كنم و يك اجابت و جواب گويى خاصى را همراه دارد، حجاب ها را مرتفع نموده و فاصله هاى زمانى را برداشته تا به راحتى آن اجابت خاصه نصيب ما شود.

ماه رجب، ماه امنيت از غضب الهى‏

آيت الله ملكى «رحمة الله عليه» در كتاب المراقبات در رابطه با ماه رجب به عنوان يكى از ماه هاى حرام مى فرمايند: در ماه هاى حرام خداوند آنچنان غضبش فروكش مى كند كه حتى بر دشمنان هم آن غضب فروكش مى كند، لذا در ماه حرام اگر دشمنتان، يعنى دشمن اسلام هم به شما حمله نكند، در اين ماه بايد ترك مخاصمه كرد. دشمن اسلام اگر حمله نكند، يعنى اگر جهاد دفاعى نباشد بايد ترك مخاصمه كرد، يعنى غضب خدا در اين ماه اين طورى است. مگر غضب خدا بر دشمنان خدا جارى نيست؟ ولى اين ماه اين قدر عجيب است كه خداوند مى فرمايد: بايد به دشمنان خدا هم امنيت بدهيد. اين يعنى چه؟ يعنى شرايط غيبى اين ماه ما را در شرايطى قرار مى دهد كه عامل فاصله گرفتن و

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 23

دور افتادن ما از مقام غيبى عالم ملكوت كه همان غضب خداست، در اين ماه در صحنه نيست و لذا در چنين شرايطى زمينه ارتباط ما با خدا شديداً فراهم است. به همين جهت است كه مى فرمايد: هر كس مرا بخواند استجابت مى كنم. اين يك نوع استجابت خاص است. يعنى تو در اين ماه در هر شرايطى از گناه هستى، اگر آمدى، هرچه بگويى به سرعت اجابت مى شود. در شرايط ديگر اين طور نيست.

بالاترين تقاضا

در ادامه مى فرمايند: «وَ مَنْ سَالَني اعْطَيْتُهُ وَ مَنِ اسْتَهْداني هَدَيْتُهُ» حرف دهنِ ما گذاشته است. مى فرمايند: اى بنده من!

اگر از من چيزى بخواهى به تو مى دهم، پس چرا نمى خواهى؟ و اگر از من طلب هدايت و راه جويى كنى، تو را هدايت مى كنم، راه و چاه را به تو نشان مى دهم. بله حرف ياد ما دادند كه ما در اين ماه از خدا بخواهيم كه خدايا ما را هدايت كن. ما انوار غيبى تو را رها كنيم، كجا برويم؟ و دعاهايى كه ائمه (صلوات الله عليهم) در اين ماه دارند در همين راستاست، كه ما را به سوى خود راهنمايى كن و خودت را

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 24

به ما بفهمان كه جز تو مقصدى نيست كه ما قلبمان را به سوى او جهت دهيم، خلاصه متوجّه شويم: «نيست در شهر نگارى كه دل ما ببرد»؛ اگر كسى معنى هدايت را بشناسد، و بفهمد يعنى چه، خداوند ما را در اين ماه به «هدايت» مژده داده است، با تمام وجود براى به دست آوردن آن مى كوشد كه گفت:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| دلا! ز نور هدايت گر آگهى يابى‏ |  | چو شمع خنده زنان، ترك سر توانى كرد |
|  |  |  |

نگاه دار سرِرشته تا نگه دارد

«وَ جَعَلْتُ هذَا الشَّهْرَ حَبْلًا بَيْني وَ بَيْنَ عِبادي» اين ماه را چون يك ريسمان قرار دادم بين خود و بندگانم. پس ماه رجب به عنوان يك شرايط استثنايى است تا انسان از آن استفاده كند و بالا برود، مثل يك طناب كه يك سر آن در دست خدا است و يك سر آن را رها كرده تا ما بگيريم و بالا رويم، با اعمال و آداب مخصوص اين ماه مى توان سرِطناب را براى بالا رفتن گرفت. عمده آن است كه متوجّه شويم اين ماه يك رشته اى است بين ما و خدا، انسان عاقل به چنين طنابى محكم چنگ مى زند. چراكه گفت:

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 25

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| مراتاجان بود درتن، بكوشم‏ |  | مگرازجام اويك جرعه نوشم‏ |
|  |  |  |

چون فرصت استثنايى است، پس:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| گرت هوااست كه معشوق نگسلدپيوند |  | نگاه دارسررشته، تانگه دارد |
|  |  |  |

«فَمَنِ اعْتَصَمَ بِه وَصَلَ الَيَّ» كسى كه به ريسمان ماه رجب چنگ بزند به من وصل مى شود. عرض كرديم چنگ زدن به آن هم مشخص است، يعنى آداب ماه رجب را قلباً و عملًا رعايت كند، چون درِ ميكده وصل به حق را گشوده اند و آن هايى كه چنين گشودگى را احساس مى كنند، ندا سر مى دهند:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الْمِنَّة لِلّه كه درِ ميكده باز است‏ |  | وين سوخته را بر دَرِاو روى نياز است‏ |
| خُم هاهمه درجوش وخروش اند، زمستى‏ |  | وآن مِى كه درآنجاست، حقيقت نه مجازاست‏ |
| شرح شكن زلف خَم اندر خَم جانان‏ |  | كوته نتوان كردكه اين قصّه‏ |
| درازاست بردوخته ام ديده چو باز ازهمه عالم‏ |  | تا ديده من بر رُخ زيباى تو باز است‏ |
|  |  |  |

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 26

چون ماه رجب، ماهى است كه حجاب هم مرتفع مى شود و انسان در قلب خود احساس مى كند با خدا در ارتباط است و در نتيجه ديده از همه دنيا باز مى گيرد و به همه چيز پشت پا مى زند، موقع درددل كردن با محبوب واقعى برايش سر مى رسد، كه گفت:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| رازى كه بَرِ خلق نهفتيم و نگفتيم‏ |  | با دوست بگوييم كه او محرم راز است‏ |
|  |  |  |

در اين حالت گويا همواره در حال راز و نياز با حق است كه:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| در كعبه كوى تو هر آن كس كه درآيد |  | از قبله ابروى تو در عين نماز است‏ |
|  |  |  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى مجلسيان! سوزِ دل حافظ مسكين‏ |  | از شمع بپرسيد كه در سوز و گداز است‏ |
|  |  |  |

چون فرمود: هر كس به ريسمان من يعنى ماه رجب- چنگ بزند به من وصل خواهد شد و قصّه وصل، قصّه اى است پرسوز و گداز:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى مجلسيان! سوز دل حافظ مسكين‏ |  | از شمع بپرسيد كه در سوز و گداز است‏ |
|  |  |  |

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 27

كشف رجب در خود

ما دوباره به آن نكته قبل در اين جا بايد مجدداً تأكيد كنيم، اين كه در قيامت مى فرمايد: «ايْنَ الرَّجَبِيُّون»؛ اين يك نكته دقيقى است و خبر از يك حقيقت بزرگى مى دهد. مى دانيد كه در قيامت داريم: «يَوْمَ يَدْعُ الدّاعِ» (قمر/ 6)؛ يعنى روزى كه دعوت كننده اى دعوت مى كند و مى خواند. كه اين خواندن و دعوت كردن منطبق است بر بنياد روح انسان ها، و يك خواندن اعتبارى نيست. يعنى همين طور كه جهنّم، جهنّميان را مى خواند و جذب مى كند، بهشت هم بهشتيان را جذب مى كند. در همين راستا و با توجّه به چنين شرايطى «رجبيون» افرادى هستند با مقامى خاص، يعنى يك مقامى كه در بعضى انسان ها به جهت استفاده كردن از ماه رجب محقق مى شود و در عالَم قيامت، آن مقام ظاهر مى گردد، آن وقت اين افراد در آن عالَم شاخص هستند، يعنى يك نوع بزرگى و آبرومندى براى آن ها در قيامت هست. به همين جهت مى خواهيم عرض كنيم «رجب» يك مقام تكوينى‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 28

است كه هركس مى تواند در درون خودش به نحوى آن را احياء و كشف كند. اگر احياء شد آن وقت مى بينيد مقامى است كه اگر طبق روايت، يك روز از آن را روزه بگيريد، موجب «دفع جهنّم» است، روزه دوم آن موجب «ايجاد صراط» است. يعنى چه كه از صراط مى گذريم؟ يعنى جادّه اى به سوى بهشت برايمان كشيده مى شود. «صراط» جادّه به سوى بهشت است و لذا روزه دوم ماه رجب موجب پديد آمدن صراطى است كه آن صراط به سوى بهشت است. يعنى انسان با دومين روزه ماه رجب، قلب خود را به سوى بهشت جهت مى دهد، و ديگر قلب او در توجّه به عالم معناست و در اين دنيا سرگردان نيست، او انسانِ جهت دار شده است. روزه سوم آن «ايجاد بهشت» است‏[[4]](#footnote-4)، يعنى وصل به بهشت. اين ماه داراى چنين مقامى‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 29

است كه خداوند إن شاءالله توفيقات بهره مندى از آن را برايمان مرحمت كند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خلقى زبان به دعوى عشقش گشاده اند |  | اى من غلام آن كه دلش با زبان يكى است‏ |
|  |  |  |

اتّصال به بهشت‏

خود اين ماه، ماه رحمت بزرگ خداست كه در دعاهاى آن اين نكته مورد توجه هست. پس تأكيد ما يكى اين است كه كارى كنيم اين ماه را كه در درون ذات هركس نهفته است به نام مقام رجبيت، با اعمال اين ماه كشف كنيم، اگر كشف شد خودش جلوه اى از بهشت است، يك نحوه وصل به بهشت است.

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 30

شير؛ صورتِ علم توحيدى مخصوص رجبيون‏

روايتى كه مرحوم شيخ عباس قمى (رحمة الله عليه) در مفاتيح الجنان آورده، اگر عنايت بفرماييد روايت عجيبى است. از امام ابى الحسن موسى (عليه السلام) مى فرمايند كه: «رجب نام نهرى است در بهشت، از شير سفيدتر و از عسل شيرين تر، هر كه يك روزِ رجب را روزه دارد البته از آن نهر بياشامد»[[5]](#footnote-5) پس اولًا؛ رجب يك نهر است، يعنى مقام است. چون مى دانيد كه آب و درخت دربهشت عبارت است از «مِمّا كانُوا تَعْمَلُون»؛ يعنى عبارت اند از آنچه شما عمل كرديد، يعنى آنچه شما در اين دنيا عمل مى كنيد دو وجه دارد. هركس هركارى بكند يك وجه آن «فكر» است و يك وجه آن «حركت و عمل» است. شما كه به لطف خدا نيت روزه ماه رجب را مى كنيد، اين نيت يك فكر است، فكرِ اين كه خدايا مى خواهم رجبى شوم، اين نيت است. و وجه ديگر عملى است كه انجام مى دهيد و آن ترك شهوات مثل‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 31

غذاخوردن و غيره است. در قيامت درخت و نهرهاى زير آن صورت عقايد و اعمال اين دنيايى ما است، و حتماً ملاحظه كرده ايد در مورد انسان حتّى ترك يك كار هم خودش، كار به حساب مى آيد، چون اراده مى كند كه آن كار را نكند و اين اراده براى ترك آن كار، خودش يك اراده است و در نفس انسان يك عمل به حساب مى آيد و در قيامت صورت مخصوص به خود را پديد مى آورد. شما اگر به خانه عمويتان نرويد، در خارج كارى نكرده ايد، ولى در درون اراده به نرفتن را انجام داده ايد. پس هر كارى يك وجه عقيدتى و فكرى، و يك وجه عملى دارد. بزرگان مى فرمايند: كه اين «عمل» و «عقيده» است كه در قيامت ظهور مى كند. شراب طهور را در ازاى چه چيزى به اهل البيت دادند كه فرمود: «سَقاهُمْ رَبُّهُمْ شَراباً طَهُوراً» (انسان/ 21) چون سه روز روزه گرفتند و افطارى شان را هم به نيازمندان دادند، و اين شراب طهورى كه نصيب اين ذوات مقدّسه شد، خيلى مقام است. چون مى فرمايد: پروردگارشان به آن ها نوشاند «رَبُّهُمْ». اگر يك مَلَكى به ما

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 32

يك ذرّه از آن شراب معنوى بدهد، از شعفِ آن حالتِ معنوى 60 سال فرياد مى كشيم، حالا اگر پروردگار آن را به كسى بنوشاند، ببين چه مى شود.

مى فرمايد: «سَقاهُمْ رَبُّهُمْ شَراباً طَهُوراً»، مگر چه كار كردند؟ با يك «عقيده توحيدى» بسيار عميق يك «عمل توحيدى» انجام دادند كه از نياز و ميل خود براى خدا گذشتند، ظهور آن عقيده و عمل در بهشت چنين شد كه فرمود: «سَقاهُمْ رَبُّهُمْ شَراباً طَهُوراً»، چون بهشت ظهور عقيده و عمل است، براى همين هم در و ديوار بهشت حرف مى زنند. چون جان انسان آن جا ظاهر است. بهشت و جهنّمش- هر دو- «تَطَّلِعُ عَلَي الْافْئِدَه» است، يعنى از قلب ما به بيرون ظهور مى كند و لذا جنس حيات است، مثل حالات قلبى؛ در آيه 65 سوره عنكبوت هم فرمود: «انَّ الدّارَ الْآخِرَةِ لَهِيَ الْحَيَوان»؛ يعنى نظام عالم آخرت سراسر حيات است، يعنى جنس حيات انسان است.[[6]](#footnote-6)

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 33

پس اوّل يادتان باشد كه بهشت چيست؟ بهشت ظهور «عقايد» و «اعمال» و «اخلاق» ماست و به جان ما بسته است. يعنى بهشت از ما جدا نيست. آرى؛ به عنوان يك واقعيت در بيرون هست، امّا به جان ما بسته است. حالا در

اين بهشت يك نهرى است كه مى فرمايد: از عسل شيرين تر است و از شير سفيدتر است، اين نهر اسمش «رجب» است. پس اوّلًا؛ كسى كه رجبى شد، وصل به اين نهر مى شود. اين نهر در كجاست؟ در بهشت. پس كسى كه رجبى شد، وصل به بهشت مى شود. ثانياً؛ اين اتّصال بعد از مردن ما هست يا همين حالا؟ امام رضا (عليه السلام) مى فرمايند: هركس بگويد بهشت بعد است، از ما نيست‏[[7]](#footnote-7). پس اين بهشت همين حالا هست. يعنى إن شاءالله همين امروز كه تصميم گرفتيم در اين ماه، رجبى شويم، وارد بهشت شديم، خدا مى داند كه همين حالا وارد بهشت شديم.

آيت الله جوادى آملى (حفظه الله تعالى) بحثى داشتند از كلام امام معصوم حضرت رضا (عليه السلام) فرمودند: همين حالا وصل به‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 34

بهشت مى شويم و همين حالا از بهشت خارج مى شويم بستگى به اعمال ما دارد، چون حضرت رضا (عليه السلام) اشاره مى فرمايند به آيات 43 و 44 سوره عنكبوت كه مى فرمايد: اين است جهنّمى كه گناهكاران انكار مى كنند و هم اكنون گناهكاران بين آن جهنّم و آب جوشان در حال طواف اند.[[8]](#footnote-8)

پس اوّلًا؛ ما در ماه رجب وارد بهشت مى شويم، الّا اين كه عدّه اى نسبت به آن در كمال غفلت به سر ببرند كه اين ها، وارد رجب نمى شوند، بلكه مثل بقيه زمان هاى روزگار، وارد يك زمان مى شوند ولى اگر ما در عين توجّه و انتظار و استقبال وارد رجب شويم، وارد يك مقام خاص از بهشت مى شويم، كه آن مقام به تعبير روايت از عسل شيرين تر و از شير سفيدتر است و آن هم روى حساب است. بزرگان اهل معرفت يك دقت هايى روى اين عسل و شير كرده اند كه اين ها دو حال و مقام است براى انسان و نه دو نوع غذا.

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 35

يكى از مفسّرين مى گويد: پيامبر (صلّى الله عليه وآله وسلّم) به طور كلى هر غذايى كه مى خوردند، مى گفتند: الحمدلله. ولى وقتى شير مى خوردند مى فرمودند كه خدايا زيادش كن. بعد مى گويد از طرفى مطابق آيه قرآن، پيامبر (صلّى الله عليه وآله وسلّم) مأمور هستند كه بگويند: خدايا علم مرا زياد كن، «قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْماً»؛ (طه/ 114) پس بايد اين شير، در عالم معنا همان مقام علم باشد، يعنى ظهورش در نفس انسان، علم است. مگر علم، جان را تغذيه نمى كند؟ بهترين غذا براى جان مادّى، شير

است. و براى جان غيبى، علم است و اين دو با همديگر يك رابطه اى دارند.

«محى الدين عربى» در كتاب فصوص الحكم مى گويد: ابى خالد، در خواب ديد كه شير خورده است. شب آمد خدمت يكى از عرفاء و خوابش را گفت. آن عارف مى گويد: اين خواب دو حالت و دو مقام دارد. در اين كه اين رؤياى صادق است شكّى نيست، حال بگو آيا تو ديشب كه خواب ديدى شير مى خورى، آيا به واقع شيرى وارد معده ات شده؟ گفت: نه! به او گفت: ولى اگر استفراغ كنى، شير استفراغ‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 36

مى كنى. اين يك وجه از تعبير خوابت، اگر خواستى بر اساس موطن دنيا تعبير شود، ولى اگر بخواهى بپذيرى، شير يعنى علم، تعبير خوابت اين است كه به تو علم مى دهند. چون شير در مقام غيب، علم است، در مقام عالم ماده شير است. ايشان مى گويد: وسوسه شدم من كه شيرنخورده ام، پس مگر مى شود كسى شير نخورد، ولى خواب شير خوردن ببيند و بعد شير خورده باشد و در معده اش شير باشد؟ خودم را وادار به تهوّع كردم، ديدم شير بيرون آوردم، چيز پيچيده اى نيست. در روايات هم داريم كه پيامبر (صلّى الله عليه وآله وسلّم) به عايشه فرمودند: كه برو

روزه ات را افطار كن- ظاهراً روزه مستحبى بوده- عايشه گفت: چرا؟! فرمودند: چون خودت خودت با غيبتى كه كردى، روزه ات را افطار كردى و گوشت خوردى. گفت كى من غذا خوردم؟ در حالى كه گوشت خوردن او، همان غيبتى بود كه كرده بود، بعد خودش از لاى دندان هايش متوجّه وجود گوشت خام شد، يعنى عمل غيبى باطنى غيبت، صورتِ ظاهرى حسّى گوشت خوردن به خود گرفت.

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 37

مقام شير در نهر رجب را اهل معرفت مى فرمايند كه در بهشت مقام «علم توحيدى» است. اگر شما ماه رجب را حفظ كنيد، إن شاءالله معرفت توحيدى نصيبتان مى شود. آن وقت آن علم توحيدى ماه رجب، علمى است كه به راحتى به دست نمى آيد، كسى كه رجبى شد يك معرفت خاصى پيدا مى كند كه ظهورش همان شير بودن آن نهر است كه از قلب او ظهور كرده است، و از شير سفيدتر بودنش هم به جهت پاك بودن از هرگونه شرك و آلودگى روحى است.

عسل؛ صورتِ شور معنوى رجبيون‏

و نيز مى فرمايند: آن نهر از عسل هم شيرين تر است، چون عسل، حركت و گرما و تحرّك مى آورد؛ يعنى آن عسل، اراده هاى توحيدى و همّت عمل توحيدى آدم را زياد

مى كند. ببينيد كه منظورشان چيست؟ شما گاهى دلتان مى خواهد كه با يك شور و حرارتى بلند شويد و نماز شب بخوانيد، ولى خواب نمى گذارد. اين اراده نماز شب خواندن و راحت و با شور و حرارت و عشق جلو رفتن به اصطلاح علماء اخلاق مربوط به عقل عملى است و اين غير از عقل نظرى است كه پذيرفته است نماز شب خيلى بركات دارد،

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 38

اين شور و شيدايى در عبادات، ريشه اش همان عسلِ بهشتى مربوط به نهر ماه رجب است. پس حرارت انجام اعمال الهى را رجب به آدم مى دهد و رجبيون، هم به معرفت خاص و هم به حرارت خاص در فهم دين و عمل به دين دست مى يابند. با توجه به اين مبنا غفلت نكنيد كه همين حالا با وارد شدن در ماه رجب و استقبال كردن از آن انشاء الله ارتباط با آن شير و عسل شروع مى شود.

ماهِ ولايى شدن براى ملاقات با حق‏

آن روايت را در كتاب «المراقبات» داشته باشيد كه مى فرمايد: «ماه رجب ماه خدا است، ماه شعبان ماه پيامبرخدا (صلّي الله عليه وآله وسلّم) است و ماه رمضان، ماه امّت رسول الله «صلواة الله عليه وآله» است». يعنى با شروع ماه رجب كه ماه خداست، نيت سلوك شروع مى شود، بنابراين از خدا شروع‏

مى شود و پس از انس با پيامبر اكرم (صلّي الله عليه وآله وسلّم) در ماه شعبان و رعايت اعمال مخصوص ماه شعبان، به يك خوديابى در ماه رمضان مى رسيم، و بدين معناست كه ماه رمضان، ماه امت است. اين روايت‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 39

را با آن روايت جمع كنيد كه اميرالمؤمنين «عليه السلام» مى فرمايد: «شَهْرُ رَمَضانِ، شَهْرُالله وَ شَعْبانِ شَهْرُ رَسولُ الله وَ رَجَبٌ شَهْري»[[9]](#footnote-9) يعنى؛ ماه رمضان ماه خداست و ماه شعبان ماه رسول الله «صلواة الله عليه وآله» و ماه رجب ماه من است. پس طبق اين روايت، به يك اعتبار ماه رجب، ماه يگانگى با خداست، از طريق ارتباط با خود خدا، و به يك اعتبار، ارتباط با خدا بدون اتّصال به ولايت ممكن نيست و لذا ماه رجب، ماه امير المؤمنين (عليه السلام)، يعنى صاحب ولايت است، پس ماه رجب ماه اميرالمؤمنين (عليه السلام) يعنى ماه ولايت است. «ولايت» يعنى زدودن جنبه هاى غير الهى از دل و رسيدن به يك به خود آمدن ناب. دلى كه ولايى شد اين دل غيرِ حق را نمى خواهد، آن وقت اين دل به عشق به نبى- كه مظهر نمايش صفات حقّ است- مى رسد و برايش طلب نزديكى به پيامبر اكرم (صلّى الله عليه وآله وسلّم) در ماه شعبان پيدا

مى شود و تقاضاى واردشدن در سلوك و سنّت پيامبر اكرم (صلّى الله عليه وآله وسلّم) در جانش شعله مى كشد و در دعاى روزهاى ماه شعبان مى گويد: «اللّهُمَّ فَاعِنّا عَلَي الْاسْتِنانِ بِسُنَّتِهِ‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 40

فيهِ ...»[[10]](#footnote-10) يعنى خدايا! مرا يارى فرما تا به روش و سنّت پيامبرت نزديك شوم و بدان عمل نمايم. و حالا در منظر نگاه به وجود مقدّس پيامبراكرم (صلّى الله عليه وآله وسلّم) در ماه شعبان، در مقابل خود و در افق جانت ماه رمضان را مشاهده مى نمايى و در اين حالت ماه رمضان شَهْرُالله، و ماه ملاقات با خدا مى شود. اين دو روايت مى گويد: خودت را براى خدا در ماه رجب خالص كن، تا بتوانى ولايت و نبوت را بفهمى و از خدا شروع كن- در ماه رجب- و به خدا ختم كن- در ماه رمضان-.

پس با ماه رجب و روزه و استغفار در اين ماه يك خلوص اوّليه و خود را براى خدا آماده كردن داريم. آدم روزه كه بگيرد و إن شاءالله دعاهاى ماه رجب را هم بخواند و در آن ها دقّت و تدبّر كند، توجّه به حق در او زنده مى گردد. به قول بزرگان مى گويند: دعاهاى ماه رجب‏

عجيب است اين قدر عجيب است كه عده اى از بزرگان مى فرمايند: بعضى از اين دعاها در ماه رمضان هم پيدا

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 41

نمى شود و انصافاً هم از جهت توحيد و ولايت يك مراتب خاصى در دعاهاى ماه رجب هست، خدا توفيق مان بدهد كه هم اين دعاها را از اهلش درس بگيريم و هم به كمك آن ادعيه با خدا مناجات كنيم. بعد كه توجّه به حق از اين طريق در انسان زنده شد، ارتباط بيشتر با خدا در او شعله مى كشد، مى يابد كه بايد براى ارتباط حقيقى با حق، دست به دامن صاحب ولايت، يعنى امير المؤمنين (عليه السلام)، بزند، اين جاست كه مى بيند عجب، پس ماه رجب، ماه امير المؤمنين (عليه السلام)، است و به اذن آن حضرت مى تواند حقّ ماه رجب را اداء كند. در مستى ارتباط با حق از طريق نور ولايتِ امير المؤمنين (عليه السلام)، دل با ماه شعبان روبه رو مى گردد و مى بيند مخزن اصلى، وجود مقدّس صاحب ماه شعبان، يعنى محمّد مصطفى (صلّى الله عليه وآله وسلّم) است. در عطش ارتباط با خدا، با پيامبر اكرم (صلّى الله عليه وآله وسلّم) روبه رو مى شود، آرام آرام اين عطش شعله ور مى شود و درست در دل ماه رمضان از پيامبر اكرم (صلّى الله عليه وآله وسلّم) سراغ خدا را مى گيرد و هم خدا به پيامبرش ندا مى دهد: «إِذا سَئَلَكَ عِبادي، عَنّي فَانّي‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 42

قَريبٌ اجيبُ دَعْوَة الدّاعِ إِذا دَعانِ ...»[[11]](#footnote-11)؛ يعنى اى پيامبر! اگر بندگان من از تو سراغ مرا گرفتند، من خودم به آن ها نزديكم و جواب آن ها را مى دهم. بدون آن كه پيامبر اكرم (صلّى الله عليه وآله وسلّم) را خداوند در اين شرايط واسطه قرار دهد.[[12]](#footnote-12)

راه به دست آوردن توفيق انجام اعمال اين ماه‏

اجازه بدهيد تأكيداتى عرض كنيم تا إن شاءالله بتوانيم در اين ماه نتيجه بهترى بگيريم. اوّل؛ ايجاد زمينه نورانيت فكرى و قلبى است به كمك ادعيه و تأمل در محتوا و فرهنگ آن ها، كه عامل و زمينه نورانيت بسيار خوبى براى قلب است، و حيف است كه اين دعاها را از دست بدهيد، پس با يك برنامه ريزى سعى بفرماييد از ادعيه ماه رجب استفاده كنيد. دوم؛ ايجاد زمينه همّت عملى است از طريق روزه. در اين ماه بالأخره هر كس به جايى رسيد، نهايت استفاده را از ماه رجب كرد و نهايت استفاده آن اين است‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 43

كه تصميم بگيرد إن شاءالله همه ماه رجب را روزه باشد، كار مشكلى نيست، ولى بركات آن غيرقابل تصوّر است.

اعمالى ساده و بركاتى بزرگ‏

خدا رحمت كند مرحوم آيت الله ملكى تبريزى را، يك تذكّرى كه در تمام كتاب المراقبات مرتّب تكرار و تأكيد مى كنند و به خصوص در اعمال ماه رجب و ماه رمضان، مى گويند: شما ببينيد مثلًا مى گويند اگر اين ده ركعت نماز را هر شب در ماه رجب بخوانيد غير ممكن است كه وارد بهشت نشويد. حالا ممكن است يكى بگويد اين ده ركعت كه چيزى نيست. مگر مى شود براى عملى در اين حدّ ساده، چنين نتيجه اى بزرگ بدهند؟ ايشان مى فرمايند: «اگر چيزى نيست، كه چيزى هم نيست، پس چرا از بين اين همه آدم كه زير پرچم اسلام هستند، عدّه بسيار قليلى اين عمل را انجام مى دهند؟» پس معلوم است از جهت ديگرى چيزى هست، وگرنه اكثر مسلمانان انجام مى دادند. ايشان مى فرمايد: «خدا مى خواهد بنده اش را امتحان كند ببيند اعتماد به حرف خدا دارد يا نه؟ اعتماد به حرف امام معصوم دارد يا نه؟»

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 44

امام معصوم (عليه السلام) مى فرمايد: اين كار را بكنيد اين نتايج را دارد، ولى از آن جايى كه ما اعتماد نداريم. مى گوييم مگر

مى شود. آن وقت چون نمى دانيم كه مى شود يا نمى شود حرف را جدّى نمى گيريم و همين موجب ضرر مى شود. امّا آن طرف قضيه را خودتان مى دانيد با اينكه به واقع آسان است، همه انسان ها توفيق انجام آن را ندارند، پس معلوم است از جهتى كار مشكلى است ولى اگر توفيق انجامش را به دست آوريم خود عمل، كار مشكى نيست، چون كه تمام دعاهاى ماه رجب يك ساعت بيشتر طول نمى كشد. حال اگر انسان يك ساعت در هر روز ماه رجب خودش را براى ماه رجب فارغ كند بسيار نتيجه مى گيرد، كه به نظر مى رسد ما خيلى بيشتر از اين ها وقت هايمان را بدون استفاده مى گذرانيم. پس آرى چيزى نيست، ولى عمده همّت ماست كه بتوانيم توفيق عمل پيدا كنيم و اگر همين تذكّر آيت الله ملكى «رحمة الله عليه» را به قلبمان تفهيم كنيم و به خدا و ائمه معصومين اعتماد نماييم، توفيق انجام اعمال و قرائت ادعيه فراهم مى شود، بالأخره مى خواهند با همين كارهاى ساده ما را به درجات بالا برسانند.

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 45

تأكيد بيشتر ما روى اين قضيه است كه ماه رجب ماهى است كه ما بايد دنبال كشف يك كمالى باشيم كه همه اين اعمال و اذكار، مقدّمه آن كمال است و مرتّب خودمان‏

را آماده و آماده تر كنيم تا آن كمال در ما پيدا شود كه وقتى به طور كلّى در قيامت ندا مى كنند: «ايْنَ الرَّجَبِيّوُن» إن شاءالله ما جذب آن دعوت شويم.

سلوكِ بى سر و صدا

گاهى دوستان مى پرسند اذكارى كه بتوانيم به كمك آنها اهل سيروسلوك شويم چيست؟ اصل قضيه را خودتان متوجّه هستيد بنده عرض مى كنم تا إن شاءالله با هم راه بيفتيم. ببينيد ما دو نوع عارف داريم؛ يك نوع عارفِ پرآوازه كه عموماً همه مردم آن ها را مى شناسند و بنا به مصلحتى كه نزد خدا محفوظ است، خداوند آن ها را به مردم شناسانده است؛ و يك نوع عارف بى سروصدا هم داريم، كه بى سروصدا از عمق جان، نورانى شده اند. عموماً بزرگانى كه به حقايق وصل شدند سروصدا ندارند و شما هم بايد بى سروصدا دنبال نورانى شدن جان خود باشيد و

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 46

اين نكته را بايد به خوبى براى خودتان حل كنيد كه شما بنا نداريد آوازه سير و سلوكتان به گوش احدى برسد. شما فكر مى كنيد كم آدم پيدا شده كه بى سروصدا ماه رجبش را حفظ كرده است، ماه شعبان و ماه رمضانش را حفظ كرده، پنج شنبه اول ماه و آخر ماه و چهارشنبه وسط ماهش را

روزه گرفته و بحمدلله به جاهايى رسيده، بدون آن كه اصلًا كسى او را به عنوان اهل سير و سلوك بشناسد، به طورى كه حتّى عرفاى پرآوازه غبطه او را مى خورند. اين ها از چه طريقى به اين درجات رسيده اند؟ از طريق همين ماه رجب و اعمال و اذكار وارده. اصلًا بالاتر از بركاتى كه در ماه رجب هست در زير اين آسمان بركت نيست. در ماه رمضان كه روزه دارى واجب است، پس اعمال مستحبى كه شما بخواهيد به آن دست پيدا كنيد و از بركات آن بهره بگيريد، خدا مى داند بالاتر از اعمال ماه رجب اعم از روزه و دعا و اذكار آن، زير اين آسمان نيست. همان طور كه به ما خبر داده اند در اين ماه يك شعورى براى آدم پيش مى آيد، يك ملكاتى و فهمى گير آدم مى آيد كه ديگر گفتنى نيست، خوشا به حال رجبيون. ما شنيده ايم و اميدوار شده ايم. پس اعمال و ذكرهاى‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 47

ماه رجب دستورالعملِ به جايى رسيدن است. اين اعمال موجود در مفاتيح الجنان شيخ عباس قمى «رحمة الله عليه» در ماه رجب يك دستورالعمل سلوكى است كه به كمك احاديث معصوم تدوين شده است. وقتى كه به دوستان مى گوييم آقا به كمك دستورات مفاتيح ماه رجب و

شعبان و رمضان خود را حفظ و احياء كنيد، فكر مى كنند كه ما كار را دست كم گرفتيم.

فرمودند كه: ديده شده از دهان شيخ عباس قمى «رحمة الله عليه» نور بيرون مى آمد. يعنى اين مفاتيح، نور است. ايشان شاگرد مرحوم آيت الله قاضى طباطبائى «رحمة الله عليه» بوده است. مرحوم قاضى طباطبائى يعنى استادِ علامه‏طباطبائى «رحمة الله عليه» را جناب آقاى حدّاد آن عارف بزرگ در وصفش مى فرمايد: من سير كردم در باطن همه عرفاى تاريخ، بالاتر از آيت الله قاضى «رحمة الله عليه» بعد از معصوم نديدم. مرحوم شيخ عباس قمى شاگرد عرفانى مرحوم آيت الله قاضى طباطبائى بوده و مفاتيح را با چنين روح و روحيه اى تدوين كرده است. خودش اهل سير وسلوك است، ولى نه سير وسلوك‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 48

باسروصدا كه يك چيزهايى بگويد كه ما بگوييم خوشا به حالش، نه، اين ها بى سروصدا هستند، گفتنى نيست.

مرحوم راشد فرزند مرحوم ملّاعباس تربتى در كتاب «فضيلت هاى فراموش شده» مى گويد: «يك هفته قبل از فوت پدر م يك دفعه نورى حدود يك ساعت آمد در خانه ما كه همه مى ديديم، پدرم مى خواست در مقابل آن بلند شود نمى توانست، گريه كرد و گفت: «السَّلامُ عَلَيْكِ يا زَيْنَب كُبْري!».

مرحوم راشد مى فرمايد: پيوسته پدرم همان طور كه در بستر بيمارى خوابيده بود، سر خود را به عنوان سلام تكان مى داد و نور حدود يك ساعت حضورش ادامه داشت، همچنان پدرم گريه مى كرد و به يك يك ائمه و پيامبر (صلوات الله عليه وآله) و فاطمه زهرا (عليهاالسلام) سلام مى داد. جناب آقاى راشد كه اين قضيه را نقل كرده آدم دير باورى است و خودش هم مى گويد من عموماً سعى مى كردم اين گونه موارد را باور نكنم تا اين كه خودم با چشم هايم ديدم. او مى گويد: بعد از اين قضيه، چند بار از پدرم پرسيدم اين‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 49

قضيه چه بود؟ ايشان در جواب من مى گفتند: حسنعلى، اين ها چشيدنى است و نه شنيدنى.

غرض از اين عرايض اين است كه كسى مثل ملّاعباس تربتى به جايى مى رسد كه در آخر عمر نور ائمه معصومين (سلام الله عليها) به سراغش مى آيند ولى هيچ وقت ادعايى هم ندارد،[[13]](#footnote-13) فقط با نمازهاى طولانى و روزه هاى ساليانه به‏

اين جا رسيده است. ماه رجب و دستورات آن اين طورى آدم را به مقصد مى رساند و تربيت مى كند. عرفاى شيعه بى سروصدا هستند و با ماه رجب هم به جاهايى كه بايد

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 50

برسند، رسيدند. دنبال اين و آن راه افتادن به هيچ دردى نمى خورد. برويد دنبال دستورات ائمه كه در امثال مفاتيح الجنان هست. اعمال ماه رجب، روزه روز دوشنبه هر هفته يا چهارشنبه وسط ماه و پنج شنبه اول و آخر ماه، بى سروصدا، كار خودش را مى كند. إن شاءالله يك چيزهايى به دست مى آوريد كه به كسى نمى توانيد بگوييد، كسى هم نمى تواند به شما بگويد، بياييد ما و شما اميدوار باشيم. بنا هم نيست به كسى بگويى الا اينكه مأمور باشيد، آن كسى هم كه مأمور است دست بقيه را بگيرد كه مقامش، مقام ولايت و نبوت است و من و شما در اين مقام ها نيستيم. اگر

زرنگ باشيد از يك شواهدى اصل مطلب را مى فهميد، همان كافى است. مرحوم آيت الله طالقانى «رحمة الله عليه» زرنگ بود. عصر روز بيست ويكم آبان سال 1357، امام خمينى «رحمة الله عليه» فرمودند: حكومت نظامى را بشكنيد و برويد در خيابان ها، هرچه مى خواهد بشود. مرحوم آيت الله طالقانى «رحمة الله عليه» جهان ديده است، سياست مى شناسد، مى داند در موقع حكومت نظامى ريختن در خيابان ها يعنى چه؟ امام «رحمة الله عليه» مى فرمايند: بايد بريزيد در خيابان. مرحوم طالقانى تلفنى به‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 51

امام «رحمة الله عليه» مى گويند: آقا خطرناك است، مردم را مى كشند، و اصرار مى كنند و مى گويند: امام زمان (عجل الله تعالى) راضى نيستند. امام خمينى «رحمة الله عليه» مى فرمايند: ازكجا كه دستور امام زمان (عجل الله تعالى) نباشد؟ آيت الله طالقانى «رحمة الله عليه» چون اهل فهم است، يك مرتبه مطلب را مى گيرد و مى گويد ببخشيد. وتنها چيزى كه امام «رحمة الله عليه» بعدها در باره آن صحبت نكردند همين بود و آيت الله طالقانى «رحمة الله عليه» هم همين قدرش را مى توانستند بگويند. آيا آن كه مردم در خيابان بريزند، دستور درستى بود يا نبود؟ يعنى اگر آن شب مردم به دستور امام «رحمة الله عليه» در خيابان نريخته بودند، مطمئن باشيد هنوز انقلاب اسلامى محقّق نشده بود. عرفاى ما كه ادعا

ندارند، بى سروصدا هستند. امام «رحمة الله عليه» در كتاب هاى «مصباح الهدايه» و يا «شرح دعاى سحر» يك چيزهايى يواشكى فرموده اند كه اهل نظر مى گويند خيلى مراتب را بايد طى كرده باشد، ولى بى سروصدا. تأكيد ما همين باشد كه دعاها و روزه و ذكرهاى ماه رجب بصيرتى به انسان مى دهد كه آن بصيرت آن چنان است كه فقط مى توانيد آن بصيرت را داشته باشيد و با آن زندگى كنيد، يعنى چشيدنى‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 52

است و نه شنيدنى، إن شاءالله. به شرطى كه از حالا، عزمتان اين باشد كه بناى سر و صدا نداشته باشيد.

زيركى بفروش و حيرانى بخر

تأكيد بعدى هم باز روى ماه رجب است. ماه رجب قدرت آدمْ درست كردن دارد. ما چيزى نمى دانيم به شما بگوييم، فقط همين را بگوييم كه: مرحوم آيت الله ملكى تبريزى «رحمة الله عليه» در كتاب المراقبات مى فرمايد: «حتّى به علماء پيشنهاد مى كنم كه اين ماه، تحقيقِ علمى- يعنى حتى تحقيق در قرآن و روايت را- كم كنند و به عبادت بپردازند». چه كسى اين را مى گويد؟ كسى كه هم مجتهد است و هم در عين حال شاگردِ ملّا حسينقلى همدانى است، حسّى غيب شناس دارد، غيب را مى شناسد. مى فرمايد: من پيشنهاد

مى كنم در اين ماه تحقيق علمى، بحث و درس را كم كنيد و به عبادت بپردازيد. يعنى ادراك مقام رجب طبق دستوراتى كه ائمه (عليهم السلام) به ما داده اند از طريق عبادت بيشتر ممكن است.

البته كسى كه آن قدر علم ندارد كه با اين دعاها ارتباط و اتّحاد پيدا كند اوّل بايد برود و دعاها را بفهمد،

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 53

حتّى اگر نشد به راحتى مقصد آن ها را درك كند بايد برود، آن ها را درس بگيرد. وقتى اظهاراتى را مى كنى كه در دعا هست، بايد قلبت تصديق كند، قلب كه تصديق كرد بعد إن شاءالله راه مى افتد. به همين جهت ما پيشنهادمان اين بود كه مباحث خودمان را در اين سه ماه رجب و شعبان و رمضان تعطيل كنيم، به دوستان هم عرض كرديم، دين دانى بس است، دين دارى اصل است. ممكن است حضورتان در اين جلسات با انگيزه دين دانى باشد و ضرر كنيد، نمى دانيم عزيزان با يك شور معنوى مى آيند يا با يك كنجكاوى علمى؟ گفت:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| زيركى ظن است و حيرانى نظ |  | زيركى بفروش و حيرانى بخر |
|  |  |  |

يعنى كنجكاوى علمى بد نيست، ولى ما را به اين نكته مى رساند كه احتمال وجود حقايق را مى دهيم، چشم دلمان‏

را باز نمى كند تا به حقايق نظر كنيم. راه رسيدن به حقايق، راه حيرت است كه با تزكيه و عبادت به دست مى آيد، همان حيرتى كه پيامبر اكرم (صلّى الله عليه وآله وسلّم) از خدا تقاضا مى كردند كه‏

: «رَبِّ زِدْني تَحَيُّراً»،

خدايا! حيرت مرا بيفزاى. از خدا

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 54

بخواهيد در اين سه ماه رجب و شعبان و رمضان، فضاى معنوى و سلوك روحانى در تمام رابطه مان حاكم باشد.

تعليم بس است، تجريد!

آفت اين جلسات علمى اين است كه آدم با خودش درگير نيست، مى آيد ببيند كه بقيه چه مى گويند؟ اين خوب نيست، گاهى آدم بايد ببيند كه خودش چه مى گويد؟

يك هفته قبل از ماه رجب؛ خدمت آيت الله حسن زاده «حفظه الله»، بوديم دوستان عرض كردند كه آقا چه دستورى براى ماه رجب مى دهيد؟ ايشان با يك تأكيد و شدّتى گفتند: «در ماه رجب برويد خودتان را ورق بزنيد». عرض ما نيز همين است كه بايد يك جورى خودمان را ارزيابى كنيم. مى گويند: «تعليم بس است، تجريد» تجريد يعنى با خود بودن، تعليم يعنى از غير چيز ياد گرفتن. اگر من براى شما بگويم و شما حرف هاى مرا گوش كنيد، پس كى به خودتان برگرديد؟ آن تجريد، آن يگانه شدن با خود، كو؟!

اميرالمؤمنين (عليه السلام) مى فرمايند: «از وقتى كه من از پيامبر (صلّى الله عليه وآله وسلّم) شنيدم كه روزه ماه رجب و شعبان چه‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 55

نتايجى براى مؤمن دارد، ديگر هيچ وقت تا آخر عمرم روزه ماه رجب و شعبان را ترك نكردم». بايد از خدا بخواهيم كه هم توفيقش را بدهد و هم معرفتش را. و از خدا بخواهيد كه توفيقات كم نخواهيم، بايد خود خدا همّت ما را بلند كند. سه روز روزه چرا؟ روزه همه ماه را مى خواهيم. روزه همه ماه رجب را چرا؟ روزه ماه شعبان را هم مى خواهيم. و روزه شش روز اوّل ماه شوال را هم مى خواهيم، يك جورى بايد كار، اساسى شود.

در رُباييد اين چنين نفحات را

در روايت داريم كه پيامبرخدا (صلّى الله عليه وآله وسلّم) فرمودند: «انَّ لِرَبِّكُمْ فِي ايّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحاتٍ الا فَتَعَرَّضوا لَها»؛[[14]](#footnote-14) يعنى در روزگار و گاه وبيگاه در زندگى تان نفحات و نسيم هاى معنوى برجانتان مى وزد، آگاه باشيد كه خود را در معرض آنها قرار دهيد. حال چگونه خودمان را در معرض نفحات ماه رجب قرار دهيم تا آن بصيرت و همّت و شور بندگى را پيدا كنيم؟ مسلّم همين دستورات ماه رجب را با اطمينان‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 56

عمل كردن، مساوى است با در معرض نفحات و نسيم هاى ماه رجب قرار گرفتن. به گفته مولوى:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| گفت پيامبر (ص) كه نَفْحَتْ هاى حق‏ |  | اندر اين ايام مى آرد سبق‏ |
| گوش و هوش داريداين اوقات را |  | در رباييداين چنين نفحات را |
| نفحه اى آمد شما را ديد و رفت‏ |  | هركه را مى خواست جان بخشيد و رفت‏ |
|  |  |  |

حتما تجربه كرده ايد. گاهى شده است كه وقتى طرف را نگاه مى كنيد فكر مى كنيد او هيچ معرفتى از معارف الهى و هيچ توانى از توان هاى سلوكى را هم ندارد. امّا خداوند برايتان روشن مى كند كه همه آن چيزهايى كه ما آرزويش را داريم، او با همّتش به دست آورده است، چون خود را در معرض نفحات ماه رجب قرار داده و از بركات ماه رجب سرسرى نگذشته است.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| نفحه اي ديگررسيدآگاه باش‏ |  | تاازاين هم وانماني خواجه! تاش‏ |
|  |  |  |

يعنى تلاش كن نفحه ماه رجب را لااقل در امسال از دست ندهى. مى گويد: من به اين گرفتارى ها و محروميت افتادم، شما مواظب باشيد محروم نشويد. مولوى در آخر دفتر دوم مثنوى در مورد موانع رسيدن آن نفحات به قلبش‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 57

و ظلماتى كه در اثر لقمه و غذا پيش مى آيد درد و دلى دارد. مى دانيد كه مولوى آن چنان نبوده است كه خودش اراده كرده باشد تا شعر بگويد، بلكه به جهت رياضت ها و آمادگى هاى روحى در يك جذبه معنوى وارد مى شده و ديگر بى اختيار شعر، بلكه معانى و معارفى بزرگ را در قالب نظم مى گفته و اطرافيانش به خصوص حسام الدين چلپى آن ها را مى نوشته است. مولوى در دردِدل خود مى گويد: عجب! من يك لقمه اضافه خورده ام تمام روحم خاك آلوده شده و در اثر آن لقمه، گويا خارى در روحم فرورفته، مى گويد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| سختْ خاك آميز مي آيد سُخُن‏ |  | آب تيره شد سرِ چَهْ، بندكن‏ |
|  |  |  |

يعنى ديگر نمى توانم در آن جذبه باشم و احوالات معنوى كه به من مى رسد را در قالب شعر بگويم:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| دوش ديگرلَون اين مي داد دست‏ |  | لقمه اي چندي درآمدره به بست‏ |
|  |  |  |

به خاطر لقمه اى، اين همه ظلمت و پريشان حالى! پس بايد از كف پاى لقمان وجودم آثار اين لقمه هاى اضافى را با روزه گرفتن درآورم.

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 58

يعنى قبلًا حالات معنوى رنگارنگ و خوبى داشتم، چند لقمه اضافه خوردم، همه آن ها رفت. لقمه كارش اين است، گاهى يك لقمه اضافى درِ غيب را مى بندد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| از براي لقمه اي اين خارخار |  | از كف لقمان برون آريد خار |
| خاردان آن را كه خرما ديده اي‏ |  | زانكه بس نان كور وبس ناديده اي‏ |
| پيش ازاين كين خارپابيرون كني‏ |  | چشم تاريك است، جولان چون كني‏ |
|  |  |  |

فعاليت بدون بصيرت نتيجه نمى دهد، اوّل بايد با روزه دارى چشم دل را از كورى نجات داد و سپس راه افتاد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| بهر لقمه گشت لقماني گرو |  | وقت لقمان است اي لقمه برو |
| جان لقمان كه گلستان خداست‏ |  | پاي جانش خستة خاري چرااست‏ |
|  |  |  |

همين طور است كه لقمه اضافى پاى جان انسان را خسته مى كند و سير روحانى انسان را متوقّف مى نمايد.

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 59

شايد برايتان پيش آمده باشد يك بار كه گرسنه نيستيد ولى باز غذا مى خوريد، مى بينيد كه چه قدر روحتان ظلمانى شد و ميل ها يتان تماماً زمينى و پست گشت. براى يك لقمه‏

اين همه دغدغه، اين همه وسوسه درونى، به طورى كه احساس مى شود همه شور و نور دين از قلب رفت.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| از براي لقمه اي اين خارخار |  | از كف لقمان برون آريد خار |
|  |  |  |

در ماه رجب خارى را كه در كف پاى لقمان جانمان فرورفته است بايد در آوريم تا بتواند جَوَلان دهد وگرنه وقتى چشم دل بسته است هر چه هم جولان كنى به جايى نمى رسى «چشم تاريك است، جولان چون كنى».

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خاردان آن را كه خرماديده اي‏ |  | زان كه بس نان كوروبس ناديده اي‏ |
|  |  |  |

اين فرومايگى است كه انسان وصل به نان است، يك نحوه كورى است، كورى به جهت حجاب نان. آن وقت نمى فهمى اين خرما فعلًا خارِ جان است.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| جان لقمان كه گلستان خداست‏ |  | پاي جانش خستة خاري چرااست‏ |
|  |  |  |

حتماً امتحان كرده ايد، در شرايطى كه گرفتار نان و غذا هستيم، وقتى كه خدا را مى خوانيم، عقل مى گويد: خدا، ولى جان و قلب نمى گويد. چرا وقتى كه مى خواهيم دعا

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 60

بخوانيم، قلب همراه نمى شود؟ ريشه اش كجاست؟ ريشه اش ماه رجب نداشتن است. «جان لقمان كه گلستان خداست» مگر قلب مؤمن، عرش رحمان نيست؟ چه شده كه آن احساس خدا دارى از بين رفته است؟

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اشترآمد اين وجود خارخار |  | مصطفي زادي براين اشتُرسوار |
|  |  |  |

شتر چه مى خواهد بخورد؟ سرش را زير مى اندازد و خار مى خورد. يك مصطفى «صلواة الله عليه وآله»، يك پيامبر، يك انسان روحانى، يك جان ملكوتى، روى اين شتر نشسته است. اين شتر بايد سرش را بالا آورد، او بخورد و ما هم بايستيم كه نمى شود! يك كوزه عطرى روى اين اشتر است، اشتر زياد نبايد به سوى زمين خم شود، چراكه اين كوزه مى افتد، بايد سرت را بالا بياورى. در ماه رجب إن شاءالله و به لطف خدا بايد سرتان را بالا بياوريد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اشترآمداين وجود خار خار |  | مصطفي زادي براين اشترسوار |
|  |  |  |

مگر ما از نسل مصطفى (صلوات الله عليه وآله) نيستيم؟ ما همه مان فرزندان روحانى پيامبر (صلوات الله عليه وآله) هستيم. ما سوار بر اشتر بدن هستيم.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اشترا! تُنْگِ گُلي بر پشتِ توست‏ |  | كزنسيمش درتوصدگلزاررُست‏ |
|  |  |  |

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 61

مواظب باش با توجّه به زمين و ميل هاى زمينى اين تُنگ عطر نيفتد. تنگ عطرى كه از نسيمش صدگلزار را معطّر مى كند، تمام احوالات و خلوت هاى تو را به حال و نشاط مى كشاند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ميل تو سوي مغيلان است وريگ‏ |  | تاچه گل چيني زخارمُردگي‏ |
|  |  |  |

همان طور كه شتر از خار مغيلان و ريگِ بيابان، گل سرسبز نمى تواند به دست آرد. تو هم با نان و غذا نمى توانى نسيم روحانى روحت را به دست بياورى.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اي بگشته زين طلب ازكوبه كو |  | چند گويي كين گلستان كُووكُو |
|  |  |  |

گلستان پيش تو است با توجه بيش از حد به نان، آن گلستان گم شده است. اوّل بايد خود را از حاكميت نان آزاد كنى.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| پيش ازآن كين خارِپا بيرون كنيد |  | چشم تاريك است جولان چون كنيد |
|  |  |  |

حالا هرچه درس تفسير بياييم و نماز بخوانيم، تا اين جان را از ميل هاى فاسدِ حاكم بر روح، آزاد نكنيم، هرچه بدويم فايده اى ندارد، اين خار وقتى كف پاى جان آدمى هست، هرچه بدود بيشتر فرو مى رود.

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 62

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| بيش از آن كين خارِ پا بيرون كنيد |  | چشم تاريك است جولان چون كنيد |
|  |  |  |

پس اول بايد خودتان را از اين ميل هاى بدنى آزاد كنيد، آن وقت باور كنيد غذا هم كه مى خوريد نور مى دهد. در روايت داريم كه: «مؤمن وقتى غذا بر او حاكم نبود، افطارش نورانيش مى كند».

بعد مولوى يك نكته خيلى بيدار كننده اى را مطرح مى كند كه چگونه وجود مجرّدِ نامحدود انسان، محدود به يك لقمه نان مى شود و اين با اين كه خيلى عجيب است ولى واقعيت دارد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| آدمي كو مي نگنجددرجهان‏ |  | درسَرخاري همي گرددنهان‏ |
|  |  |  |

ملاحظه مى كنيد از يك طرف تمام دنيا براى انسان كم است، همه دنيا نمى تواند شما را قانع كند ولى يك وقت هم در يك لقمه نان گُم مى شويم. اسير يك لقمه نان مى شويم، چه طور شده است كه انسان اسير مى شود، آدميت او گم مى شود؟ اين حرف اصلى ما است، در اين ماه بياييد آن وسعت آسمانى خود را از گم شدن در محدوده دنيا، نجات دهيم، بقيه اش هم به اميد دعاها و ذكرها. و اين كه زيارت‏

ماه رجب، ماه يگانه شدن با خدا، ص: 63

اباعبدالله (عليه السلام) را شروع ماه رجب قرار بدهيد، چون خواستند ما به همه چيز برسيم، راه معاشقه با اباعبدالله (عليه السلام) را براى ما باز كردند، كه شروع خوبى براى ورود به ماه رجب است.

1. ( 1)- كتاب« المراقبات» مرحوم آيت الله ملكى تبريزى جهت مراقبه ماه هاى رجب و شعبان و رمضان و ذيحجّه، كتاب ارزشمندى است. لازم است عزيزانى كه مى خواهند در سلوك قدمى بردارند، از آن استفاده نمايند. [↑](#footnote-ref-1)
2. ( 1) 2- اقبال الاعمال ج 3 ص 190، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى [↑](#footnote-ref-2)
3. ( 1)- براى روشن شدن معنى مزه روزه، به كتاب« روزه، دريچه اى به عالَم معنا» رجوع فرماييد. [↑](#footnote-ref-3)
4. ( 1)- قالَ مُوسى بْنَ جَعْفَر( عليه السلام):

\iُ« رَجَب شَهْرٌ عَظيمٌ، يضاعِفُ اللهُ فيه الْحَسَناتِ، وَ يمْحُو فيهِ السَّيئاتِ، مَنْ صامَ يوْماً مِنْ رَجَبٍ تَباعُدَتْ عَنْهُ النّارُ مَسيرة سَنَةٍ، وَ مَن صامَ ثَلاثَةِ ايامٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةٍ»\E

( اقبال الاعمال ج 3 ص 191)؛ يعنى« رجب، ماه عظيمى است كه خداوند نيكى ها را در آن چند برابر و بدى ها را محو مى نمايد، هر كس يك روز از ماه رجب را روزه بدارد، آتش جهنّم به فاصله يك سال از او دور مى شود و هر كس سه روز از آن را روزه دارد، بهشت براى او واجب مى شود». همچنان كه در روايت ديگرى از رسول خدا( ص) داريم:« هر كس كلّ ماه رجب را روزه دارد، خداوند رضايت خود را براى او ثبت مى كند و كسى كه رضايت خداوند براى او ثبت شد، مورد عذاب قرار نمى گيرد».( مصباح المتحجد ج 2 ص 797) [↑](#footnote-ref-4)
5. ( 1)-« رَجَب نَهْرٌ فِى الْجَنَّةِ اشَدُّ بَياضاً مِنَ اللَّبَنِ وَ احْلى مِنَ الْعَسَلِ، مَنْ صامَ يوْماً مِن رَجَبِ سَقاهُ اللهُ مِنْ ذلِكَ النَّهْر»( اقبال الاعمال ج 3 ص 191)؛ [↑](#footnote-ref-5)
6. ( 1)- براى پيگيرى اين نكته مى توانيد به تفسير سوره« يس» از همين نويسنده رجوع فرماييد. [↑](#footnote-ref-6)
7. ( 1)- رجوع كنيد به« توحيد صدوق» باب ما جاء فى الرّؤيه، حديث 21 [↑](#footnote-ref-7)
8. ( 1)- همان. [↑](#footnote-ref-8)
9. ( 1)- وسائل الشيعه ج 10 ص 493 [↑](#footnote-ref-9)
10. ( 1)- مفاتيح الجنان، اعمال مشتركه ماه شعبان، صلوات مرويه از امام سجّاد( عليه السلام). [↑](#footnote-ref-10)
11. ( 1) 11- 186/ بقره [↑](#footnote-ref-11)
12. ( 2) 12- براى بررسى بيشتر اين موضوع به نوشتار« رمضان، دريچه رؤيت» رجوع فرماييد. [↑](#footnote-ref-12)
13. ( 1) 13- مرحوم شيخ عباس قمى« ره» را دعوت مى كنند كه يك ماه رمضان را در مسجد گوهرشاد مشهد منبر رود. هنگامى كه مرحوم ملّا عباس تربتى خبردار مى شوند تصميم مى گيرند جهت استفاده از مواعظ مرحوم شيخ عباس قمى به مشهد بروند. روز اول خود را پشت ستون مسجد پنهان مى كند كه شيخ عباس قمى« ره» او را نبينند، ناگهان چشم شيخ عباس قمى« ره» به او مى افتد. همان وسط منبر مى گويند: مردم! شما آمده ايد كه استفاده ببريد، كسى در اين مجلس هست كه بهتر از من اين كار را مى تواند انجام دهد، اجازه دهيد همه ما اين يك ماهه از او استفاده كنيم و از منبر پايين مى آيند و با اصرار، مرحوم تربتى را بالاى منبر مى فرستند و تمام طول ماه رمضان پاى منبر او مى نشينند.

آيا اين حركات، نشانه سلوك حقيقى و وصول به حقايق عالَم نيست؟ [↑](#footnote-ref-13)
14. ( 1) 14- بحار الانوار ج 68 ص 221 [↑](#footnote-ref-14)